

عنوان مقاله:

الزامات حقوقی دیپلماسی فرهنگی ایران در عرصه روابط بین الملل

محل انتشار:

پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، دوره 4، شماره 2 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

یاشار طاهری - پژوهشگر همکار اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز؛ دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، اهواز، ایران

خلاصه مقاله:

در رویدادهای سالیان تازه گذشته، دیپلماسی فرهنگی در پهنه روابط بین الملل، در راستای بهبود مناسبات و پیوندها و ارتباطات میان کشورها مخصوصا جوامع و دولت های منطقه ای جایگاه ویژه ای یافته و موجب هم گرایی میان دولت ها و ملت ها گردیده است. دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزار سیاست خارجی کشورها که هنر ترویج و گستردن فرهنگ در همه ابعاد آن را برعهده دارد، در فراهم آوردن زمینه های همکاری های مشترک، شناخت و شناساندن فرهنگ ها و دادوستد ارزش های فرهنگی و استوارسازی و تثبیت روابط پایدار میان مردمان، اقوام، جوامع بومی و دولت ها تاثیر بسزایی داراست. در این مقاله که با شیوه کتابخانه ای و تحلیلی و نگاه تطبیقی، توصیفی و گردآوری گزارش ها و رخدادهای روز انجام شده است، تلاش می شود تا نقش دیپلماسی فرهنگی که از گونه های دیپلماسی عمومی می باشد، در منطقه و عرصه جهانی و مولفه ها و الزام های حقوقی آن با نگاه به درون کشور با رویکرد بین المللی تبیین گردد. به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که نظام جمهوری اسلامی دارای چه مقررات و ابزارهای قانونی و حقوقی برای دیپلماسی فرهنگی پویا و فعال در روابط بین الملل و میان کشورها و مردم است. در نهایت؛ به این نتیجه می رسیم که با نگاه به اسناد قانونی بالادستی مانند قانون اساسی و نهاد کلانی هم چون شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز استفاده منطقی و درست از قواعد حقوق بین الملل در دیپلماسی فرهنگی ایرانی، می توان راه تکمیل دست یابی به جایگاه شایسته هدف را پویید و نقش کلیدی را بیش تر در معادلات منطقه ای و بین الملل، در راستای توسعه پایدار و صلح و گفتگوی دوستانه ایفا نمود.

کلمات کلیدی:

دیپلماسی فرهنگی، قانون اساسی، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، حقوق فرهنگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1352492>

